



نشست تخصصی بررسی بیداری اسلامی با تمرکز بر تحولات سوریه

تنظیم: دبیرخانه بیداری اسلامی



در ابتدا آقای امیری، مدیر حوزه عربی شورای عالی امنیت ملی ضمن اشاره به امواج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، این چنین به تحلیل شرایط پرداختند: با گذشت چندین ماه از این تحول بزرگ، آشنایی مقدماتی با بیداری اسلامی در فضای ذهنی سیاستمداران و متولیان عرصه فرهنگ ایجاد شده است، از این رو، در چنین فضایی لازم است مروری بر سیاست‌های جمهوری اسلامی نسبت به تحولات اخیر صورت گیرد.

در این خصوص، چند مساله از اهمیت مضاعف برخوردار است: ۱- نگاه ج.ا. ایران به مساله بیداری اسلامی، ۲- راهکارهایی که ایران باید داشته باشد، ۳- راهبردهایی که کشورهای غربی در تقابل با بیداری اسلامی به کار می‌برند.

ج.ا. ایران تحول خاورمیانه را یک بیداری اسلامی و ریشه‌دار و عمیق می‌داند و هر بازیگری که در این تحولات برنامه‌ریزی کند به همان اندازه هم نتیجه

مطالبی که با عنوان نشست تخصصی بیداری اسلامی با تمرکز بر تحولات سوریه در ذیل آمده است؛ خلاصه دو نشستی است که با عنوان پنجمین نشست مدیران مؤسسات پژوهشی در رابطه با تولید ادبیات بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۸ با حضور روسای مراکز پژوهشی و جمعی از اساتید دانشگاه به بررسی موج جدید بیداری اسلامی با محوریت سوریه پرداخت و همچنین نشست «بررسی تحولات سوریه» از سلسله نشست‌های تخصصی مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۴ که با حضور مدیران و کارشناسان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار گردیده است.

در ابتدای جلسه آقای دکتر دهشیری، معاون آموزشی و پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ضمن خوش‌آمدگویی و اشاره به هدف برگزاری نشست‌های تخصصی، به بیان محورهای مورد بررسی نشست پرداختند.



خواهد گرفت.

ایشان افزودند: بیش از سی سال که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه حاکم شده است و این در حالی است که گفتمان مقابل ج.ا. ایران در همه حالات از رژیم‌های منطقه حمایت کرده‌اند.

این تحول در منطقه خاورمیانه که قالب جهان اسلام است، اتفاق افتاده است. مطالبات مردم اسلامی است و مسلمانان کارگزار و مجری این تحولات هستند.

مؤسسات مطالعاتی باید این مسائل را تبیین کنند و ابعاد بیداری اسلامی را که غرب آن را اسلامی نمی‌داند، مورد بررسی قرار دهند.

مسلمانان از فضاهای مجازی برای گسترش این بیداری استفاده کرده‌اند. حال اگر از ابزار غربی برای گسترش بیداری اسلامی استفاده شود، دال بر غربی بودن تحولات نیست.

در این تحولات اگر شیعیان پیروز شوند، خود غربی‌ها اذعان نموده‌اند که این مساله به نفع ج.ا. ایران است. عقیده و باور ج.ا. ایران تلاش برای تحقق مطالبات برحق مردم منطقه است.

پارادایم جدید ج.ا. ایران این است که در گذشته نگاه ما به حفظ و گسترش روابط با کشورهای منطقه بود ولی در تحول جدید روابط ما با کشورها، تابعی از نوع روابط دولت‌ها با ملت‌هایشان است.

برای ما روشن است که آمریکا، اسرائیل و غربی‌ها، خاورمیانه را رها نخواهند کرد. بدون خاورمیانه به دلیل منابع انرژی و آبراه‌های بین‌المللی باید این منطقه را در اختیار داشته باشند و برای این منظور تلاش می‌کنند که جریان بیداری اسلامی را به انحراف و یا انفعال بکشانند.

آقای امیری در خصوص سیاست و راهبردهای آمریکا در خاورمیانه افزودند:

آمریکا در تلاش است که چهره خود را در خاورمیانه بازسازی نماید و این کار را از طریق برخی اصلاحات در کشورها اعمال می‌کند و مدرنیته کردن یکی از راهکارهای آنهاست. از آغاز تحولات، آمریکایی‌ها به

دنبال مدیریت انقلاب‌های منطقه هستند.

آمریکا در این تحولات نگران جایگزین شدن کشورهای بلوک شرق مانند چین، روسیه و... است و از این رو، از پیوند و ارتباط کشورهای خاورمیانه با کشورهای بلوک شرق هراس دارند و مانع این کار می‌شوند و همچنین تلاش می‌کنند کشورهایی که سیستم پادشاهی دارند این رژیم‌ها را حفظ کنند و در این مسیر از ابزارهای آن‌ها هم استفاده می‌کنند.

آنها تلاش می‌کنند که تندروها قدرت را به دست بگیرند. برای حفظ امنیت اسرائیل خواهان نابودی جریان مقاومت که شامل سوریه - ایران و حزب‌الله است. طراحی مذاکره حماس و فتح یکی از راهکارهای آنها در این خصوص بود.

تحولات در سوریه نیز در این راستاست. حکومت سوریه باید نرم‌تر با مردم برخورد کند و اصلاحاتی هم در این زمینه انجام دهد.

آمریکایی‌ها می‌خواهند با شکست سوریه امنیت اسرائیل را حفظ کنند.

ایشان مواضع و اقدامات آمریکا را چنین بر شمردند: کشورهایی که تحولات اتفاق افتاده، مشکلات ساختاری به وفور وجود دارد. در این فضا، مردم از افرادی که به حکومت رسیده‌اند مطالباتی دارند و این حکومت‌ها در صدد گرفتن امکاناتی برای رفع مشکلات مردم هستند. در اینجاست که آمریکا و کشورهای وابسته به آمریکا مثل عربستان، امارات و... از این فضا سوء استفاده کرده در صدد تثبیت مدیریت خویش هستند.

محدودیت جدی آمریکا در این زمینه، مشکلات اقتصادی خود آمریکا و نیز تنفر مردم منطقه از آنهاست.

ج.ا. ایران با دو کار دیپلماتیک و نیز کار پژوهشی می‌تواند مانع مدیریت آمریکا در منطقه شود و از این رو، باید سیاست‌های ج.ا. ایران در دفاع از سوریه و مقاومت و نیز تحولات منطقه تبیین شود. در این راستا باید ضعف‌های ساختاری آمریکا تبیین شود.

علاوه بر مطالب یاد شده، در این نشست محورهای زیر مورد بررسی قرار گرفت:

“

اگر از ابزار غربی

برای گسترش

بیداری اسلامی

استفاده شود، دال بر

غربی بودن تحولات

نیست.

● موضع ج. ا. ایران در قبال سوریه باید برای مردم بازگو شود و این در حالی است که تحلیل‌های زیادی در تلویزیون‌های غربی و ماهواره‌ها پخش می‌شود. باید به پرسش‌های مردم در این زمینه توسط رسانه‌ها و مطبوعات پاسخ داده شود.

● ترک‌ها بازیگران فرصت طلبی هستند که از جریانات به نفع خود استفاده می‌کنند. باید به دخالت نظامی غرب در سوریه توجه کرد.

● حکومت در سوریه موضع قوی دارد اما نقش نظامی ترکیه خیلی مهم است و ما باید نقش ترکیه را از لحاظ فرهنگی و استراتژیک تحت تأثیر قرار دهیم. احتمال حمله ناتو و غربی‌ها به سوریه به دلایل زیر منتفی است:

● موقعیت ژئوپولیتیک خود سوریه.
● نزدیکی جغرافیایی سوریه با رژیم صهیونیستی و حمایت جریان مقاومت.

● اختلاف اعضای مؤثر ناتو و مشکل اقتصادی اعضای ناتو.

غرب خواهان ایجاد اسلام ترکیه در مقابل اسلام ایران است اگر این هدف ترکیه که احیای تفکر عثمانی است تبیین شود خود جهان عرب در مقابل آنها می‌ایستد. هدف غرب تضعیف ایران و قطع ارتباط حزب‌الله با ایران و شیعه است.

در نشست تخصصی بررسی تحولات سوریه حجت‌الاسلام و المسلمین سالار، رایزن سابق ج. ا. ایران در سوریه به بررسی تحولات این کشور پرداخت. که در ادامه به مهمترین محورهای صحبت‌های ایشان اشاره می‌شود.

سوریه با ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع وسعت دارای ۱۴ استان (ریف دمشق، قَنِیْطَرَه، دَرعا، سُوَیداء، حُمص، طَرطوس، لاذِقیه، حَماء، اِدلب، حَلَب، رَقّه، دِیرالزور، حَسَکّه) و بنادر مهم لاذقیه، طرطوس و بانیا و میانگین رشد جمعیت سوریه (۵۸۱,۲۹۰,۲۰ نفر) سالانه ۳,۳٪ می‌باشد. حدود ۷۴٪ جمعیت سوریه را مسلمانان سنی ۱۳٪ علوی، شیعه دوازده‌امامی و اسماعیلی، ۱۰٪ مسیحی و ۳٪ دروزی تشکیل می‌دهند. اعراب حدود ۹۰٪ جمعیت سوریه شامل یک

میلیون آواره عراقی و پانصد هزار فلسطینی و کردها ۹٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. ارمنی‌ها، ترک‌ها، چرکس‌ها و یهودیان اقلیت‌های دیگر ساکن این کشورند.

مسیحیان در دمشق، حلب و شهرک‌هایی در لاذقیه، حمص و درعا و همچنین در حسکه در شمال شرق آن کشور ساکن می‌باشند در حالی که بیش از ۹۰٪ علوی‌ها در استان لاذقیه زندگی می‌کنند که بیش از ۸۰٪ از ساکنان مناطق روستایی آن استان را علوی مذهب‌ها تشکیل می‌دهند سهم دروزی‌ها از ساکنین منطقه جبل العرب در استان سویداء بیش از ۹۰٪ است و آنان اکثریت مطلق را در ۱۲۰ روستای این استان در اختیار دارند. شیعیان جعفری در منطقه‌ای بین حمص و حلب متمرکز شده‌اند و ۱۵٪ ساکنان استان حماه را تشکیل می‌دهند. اسماعیلی‌ها نیز در منطقه السلمیه در استان حماه سکنی گزیده‌اند، البته بیش از ۱۰۰۰۰ اسماعیلی نیز در استان لاذقیه زندگی می‌کنند. سایر شیعیان سوریه نیز در شهر حلب ساکنند.

دمشق پایتخت سوریه معروف به دروازه تاریخ و از ۸ تا ۱۰ هزار سال قبل از میلاد پیوسته محل سکونت انسان بوده و پس از آنکه در سال ۶۳۶ میلادی پایتخت جهان اسلام شد، به مهم‌ترین شهر جهان اسلام مبدل شد.

این کشور از سال ۱۹۶۳ تحت قانون شرایط اضطراری اداره می‌شد که بسیاری آزادی‌های سیاسی و مدنی را به حالت تعلیق درآورده بود.

به دلیل نزدیکی سوریه با کشور ایران از جهات مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تحولات اخیر سوریه برای ج. ا. ایران واجد اهمیت است که باید ریشه‌یابی شود. برخی از مهمترین وجوه یاد شده، عبارتند از:

● رکود سیاسی: فرض بر این است که بشار اسد نماینده اقلیت علوی‌ها، دروزی‌ها، اسماعیلیه‌ها است و این در حالی است که اکثریت جامعه سوریه، اهل سنت هستند. اما در این اعتراضات، علوی‌ها هم در کنار اهل سنت از جمله معارضین هستند و نیز در کنار برخی از علوی‌ها، گروه‌های دیگری هم از دولت بشار اسد حمایت می‌کنند.

باشد.

● تشکیل اتحادیه مقاومت اسلامی با حضور علمای شیعه و اهل سنت طرفدار مقاومت اسلامی برای تجلیل از مواضع ایران و سوریه.

● تقویت جبهه مقاومت اسلامی.

● نقش اخوان در سوریه ضعیف است و سلفی‌ها نقش مهم‌تری را ایفا می‌کنند، برای تضعیف سلفی‌ها توزیع کتاب‌هایی که در مورد وهابیت وجود دارد، پیشنهاد می‌گردد.

از این رو بررسی تحولات سوریه با توجه به نقش قدرت‌های خارجی در ایجاد اوضاع سوریه و ادامه فعالیت مخالفین برای جمهوری اسلامی ایران مهم و ضروری است. از این رو باید با دقت تحولات سوریه بررسی و رصد شود.

وضعیت داخلی سوریه

در چند ماه گذشته و در فرآیند درگیری‌ها موارد ذیل در ارتباط با وضعیت داخلی این کشور قابل ذکر است:

(۱) اعمال زیاد خشونت و ضعف در برخورد نرم از سوی دولت به خصوص در مرحله اول درگیری‌ها
(۲) شهرهای مرکز درگیری‌ها به طور عمده مناطق حاشیه مرز مانند درعا، جسر الشغور، لاذقیه، حمص و حماه و... بوده‌اند.

(۳) اقلیت‌های قومی و مذهبی در سوریه (مسیحیان - مسلمان غیر اهل سنت و...) به صورت کلی از حامیان بشار اسد هستند و نگران تغییر در حاکمیت و قدرت سنی‌های متعصب هستند. جامعه مسیحیان سوریه در حمایت از بشار می‌تواند نقش جدی تری داشته باشد.

(۴) حضور بیش از یک میلیون عراقی در سوریه و پانصد هزار فلسطینی در سوریه نیز از عوامل مثبت برای بشار محسوب می‌گردند.

از طرف دیگر فساد حزب بعث در ابعاد مختلف برای همه مردم روشن است. هرچند بین حزب بعث و بشار یا خانواده اسد باید تمیز قائل شد. بشار انسان سالمی است و حمایت توده‌های مردم را دارد. بشار اسد با مشکلات

نظام سوریه، تک حزبی است که این حزب بر اساس ماده ۸ قانون اساسی، حزب بعث می‌باشد. یکی دیگر از موانع اصلاحات که تا حدودی خود اسد آن را انجام داده است، رهبران قدیمی حزب بعث هستند.

● رکود اقتصادی: با توجه به وعده‌هایی که برای رفاه مردم داده شده بود و علیرغم محقق شدن برخی از آنها، بحران اقتصادی جهان بر سوریه هم بی‌تأثیر نبوده است. فساد اداری

● دخالت بیگانگان: مؤید این امر خواسته‌های وزیر امور خارجه قطر در ملاقات با بشار اسد است که عبارتند از:

۱- قطع ارتباط با ایران، ۲- انجام اصلاحات، ۳- قطع ارتباط با حزب الله

در این راستا، فعالیت شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فعالیت‌های بیگانگان در سوریه ۴ هدف را دنبال می‌کند:

- ۱- فشار بر ایران
- ۲- فشار بر حزب الله
- ۳- فشار بر حماس
- ۴- آغاز مذاکره با اسرائیل

راهکارهای برون رفت سوریه از بحران:

● دولت سوریه به وعده خودش عمل کند و ج.ا. ایران در جهت‌دهی به اصلاحات فعالیت نماید و مانع سرکوب مردم شود.

● جدا کردن خواسته‌های مردم از خواسته‌های سلفی‌ها چرا که سلفی‌ها خواستار سقوط نظام سوریه هستند و این در حالی است که مردم خواستار اصلاحات می‌باشند.

● جلب حمایت علمای اهل سنت در جهت حفظ و پشتیبانی از دولت بشار.

● برگزاری اجلاسی در خصوص تحولات سوریه با حضور علما و اندیشمندان در سوریه، عراق و افغانستان.

● ایجاد ارتباط با عناصر مؤثر اخوان المسلمین در سوریه و دیگر کشورها.

● سیاست ایران حمایت از اصلاحات بشار اسد و کمک‌های علمی، فکری و رسانه‌ای به نفع آنها باید

“

نقش اخوان در

سوریه ضعیف

است و سلفی‌ها

نقش مهم‌تری را

ایفا می‌کنند، برای

تضعیف سلفی‌ها

توزیع کتاب‌هایی که

در مورد وهابیت

وجود دارد، پیشنهاد

می‌گردد

اخوان با عبدالحمید خدام که در زمان کشتار جمعی آنها در زمان اسد استاندار حمص بود، هم پیمان هستند. کلینتون وزیر خارجه آمریکا همزمان با برگزاری کنفرانس نجات وطن در ترکیه اظهار داشت تاثیر گذاری بر وضعیت سوریه از خارج امکان پذیر نمی باشد. در این کنفرانس ۳۰۰ نفر از معارضین سوری از جمله هیثم المالح برای حمایت از اعتراضات اخیر در سوریه و مشخص کردن راهبرد حرکت کشور به سمت دموکراسی حضور داشتند.

اقدامات دولت

بشار اسد از زمان تکیه بر مسند قدرت در صدد ایجاد تغییرات و اصلاح نظام سیاسی و اجتماعی کشور برآمد. بشار که در کشور انگلستان تحصیلات خود را در زمینه پزشکی سپری کرده بود، اعلام نمود که در صدد تشکیل احزاب جدید و استفاده از همه اندیشه ها و عقاید در جهت اداره کشور می باشد.

با ایجاد فضای جدید شخصیت های گوناگون با استفاده از این وضعیت شروع به انتقادهای گسترده از شرایط کشور و به خصوص نهادهای سیاسی کشور اعم از کابینه و مجلس پرداختند. افرادی مانند رضوان زیاده و ریاض السید و... با ابراز نظراتی مانند فرمایشی بودن مجلس و کابینه انتصابی و عدم تکیه آن بر پایه های مردمی فضای متشنجی را ایجاد نمودند.

این وضعیت بشار اسد را وادار نمود سیاست های خود را تعدیل کرده و دوران مربوط به پدر خود را به عنوان خط قرمز اعلام و همگان را به اندیشیدن جهت برنامه ریزی برای آینده فرا خواند. این اقدام بشار از سوی مخالفان به عنوان یک دام جهت سرکوبی مخالفان تلقی گردید.

از زمان شروع تظاهرات در ماه مارس، بشار در چندین سخنرانی ملت را خطاب قرار داده و بر دخالت بیگانگان در امور کشور و ضرورت حل مشکلات سوریه از طریق گفت و گوهای ملی تاکید نموده است. دولت در پاسخ به درخواست های مردم اقدامات ذیل را به اجرا در آورده است:

۱- حالت فوق العاده

زیادی روبرو است که راه حل اصلی، اصلاحات در حزب بعث همراه با تغییرات در قانون اساسی می باشد.

از مشکلات حزب بعث، رویارویی بین قومیت و اسلامیت است هرچند به طور رسمی اعلام کردند که قومی گرایی بدون اسلام محوری، جاهلیت است.

در زمینه سیاسی، عدم آزادی احزاب و برگزاری انتخابات فرمایشی و موروئی بودن انتقال قدرت انسداد خاصی را در صحنه سیاسی داخلی ایجاد نموده است.

در بعد اجتماعی، حاکمیت بدون محدودیت سازمان های امنیتی بر همه ابعاد اجتماعی اعم از فعالیت نهادهای غیر دولتی، انتصابات، ترفیعات، مسافرتها و... منجر به افزایش رشوه، حاکمیت روابط بر ضوابط، گسترش فضای تملق و چاپلوسی و فرار مغزها و... گردیده است.

در بخش اقتصادی، حاکمیت رانتهای حاکم، مافیای اقتصادی امنیتی، سپردن امتیازات واردات و صادرات و مالکیت امتیاز کارخانه ها، شرکت های اقتصادی، صنایع سبک و سنگین، شرکت های مخابراتی خصوصی به عناصر خاص و نور چشمی ها افزایش تفاوت طبقاتی را ایجاد نموده است.

در زمینه فرهنگی، روند تکیه بر ترویج سیاست های حاکمان در بخش های مختلف اعم از رسانه های صوتی و تصویری، شبکه های ماهواره ای، انتشار کتب، نشریات و رسانه های کاغذی و... به شدت دنبال می گردید.

معارضین داخلی

چهره غالب در میان تظاهرکنندگان سوریه، اسلام گرا هستند. شبکه های معروف معارضه سوری مانند الوصال، در حال تبلیغ علیه شیعه و نظام سوریه هستند.

اخوان سوریه سلفی، تندرو و ضد شیعه هستند. شبکه های وصال و صفا نقش زیادی در تحریک احساسات اهل سنت علیه شیعیان دارند.

تاثیر گذاری تظاهرات در حماء بر گفت و گوهای ملی (در دو جمعه متوالی تظاهرات بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری در شهر ۸۰۰ هزار نفری با شعار لاجوار) قابل توجه است.

شهرهای حماء و حمص پایگاه اصلی اخوان می باشد.

۲- اعلام عفو عمومی (دو مرتبه)

۳- اصلاح قوانین انتخابات

۴- طرح‌های حمایتی برای تسهیل امور معیشتی

مردم

۵- برگزاری جلسه گفت و گوی ملی

۶- تصویب قانون آزادی احزاب در دولت

۷- تشکیل کمیته اصلاح قانون اساسی

۸- اخوان سوریه و تفاهم با نظام

جماعت اخوان المسلمین شاخه سوریه به تازگی در برابر اوضاع و روابط سیاسی داخلی موضع سیاسی عاقلانه گرفته است که بخشی از این موضع به رابطه این جنبش با نظام سیاسی حاکم بر می‌گردد و بخشی دیگر از آن به تثبیت انسجام و وحدت ملی در رویارویی با خطرهای خارجی که موجودیت سوریه را تهدید می‌کند. اخوان المسلمین سوریه با گرفتن این موضع جدید، اراده جسورانه خود را برای تصحیح سیاست قدیمی اش در مخالفت با نظام سیاسی و در پیش گرفتن گزینه‌های تعارض نشان داده است. این سیاست قدیمی شکاف میان دو طرف را بیشتر و بیشتر کرد و نوعی گسست سیاسی و روانی میان دو طرف پدید آورد. انزوای سیاسی جماعت اخوان در داخل سوریه و سوء استفاده بیگانگان از آثار این نزاع داخلی در جهت انزوای سیاسی سوریه و ابراز بدترین اهانت‌ها به این نظام در افکار عمومی غریبان از آثار این گسست بوده است.

ما می‌دانستیم که این موضع سیاسی معقول و آرام اخوان المسلمین سوریه از سال‌ها پیش جوانه زده و چند سال پیش به تدوین برنامه کاری‌ای انجامیده که مستند به بازنگری ژرف در اشتباهات پیشین این جماعت و پذیرش گزینه فعالیت دموکراتیک و آرام و از رهگذر مشروعیت قانونی و نهادهای قانونی بوده است. ما همچنین می‌دانستیم که علنی شدن این برنامه از سوی اخوان سوریه نه فقط بستن پرونده‌ای قدیمی، بلکه گشودن صفحه‌ای جدید از همکاری برای ساختن دورانی تازه در این کشور است. اما آنچه که تاکنون برای ما معلوم نشده - بدون توجه به شایعات و گفته‌ها- این نکته است که چه چیزی این جماعت را واداشت تا به

گزینه‌ها و پیمان‌های دیگری روی آورد که هیچ معنی و هدفی جز قطع پیوند با نظام نداشته است؛ آخرین این گزینه‌ها، جبهه نجات ملی (جبهه الخلاص الوطنی) بود که از نیمه دوم سال ۲۰۰۵ انتخاب شد.

این جماعت از ظرفیت سیاسی آرمانی‌ای برای رجحان موضع ملی و وطنی اش بر موضع جنبشی اخوانی اش و اقامه دلیل بر راستی رویکرد و درستی بازنگری اش و واداشتن اهل تردید به اطمینان به خویش را دارا بود. این ظرفیت آرمانی درست مقطع زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ را شامل می‌شود که دشوارترین سال‌های تاریخ معاصر سوریه بوده است. در این مقطع، فشار اروپا و آمریکا بر سوریه به آخرین حد خود رسید و این کشور محاصره سیاسی شد و دستگاه‌هایی از درون و بیرون، امنیت آن را لرزاندند و چیزی نمانده بود که به وسیله دست‌های هرزه بیگانگان از پای درآید. همچنین بر ما پوشیده است که چرا اخوان سوریه، در این مقطع گزینه‌ای را اختیار کردند که حداقل و هرچند به صورت غیر مستقیم دایره فشار را بر دولت سوریه تنگتر می‌کرد و به نام دموکراسی و حقوق بشر، مشروعیت فشارهای خارجی را از درون فراهم می‌آورد. پس از آن از هم پیمانی ناگهانی این جماعت با عبدالحلیم خدام به شدت شگفت زده شدیم. درحالی که این شخص تا چندی پیش از آن از عوامل سرکوب اخوان شمرده می‌شد. اما شگفتی بزرگتر ما از آن بود که این پیمان وحدت با برنامه آمریکایی توسعه دموکراسی در خاورمیانه بزرگ مرتبط شد و این جماعت حساب خود را از این برنامه و برخی از هم پیمانان خود در این جبهه جدا نکرد.

انگیزه‌ها و اسباب در پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی آن هم در چنین لحظات دوران سازی که یک کشور در برابر آزمون‌های دشوار قرار می‌گیرد، هرچه که باشد، موضع اخیر آن در خروج از پیمان وحدت با عبدالحلیم خدام و جبهه نجات ملی و پیش از آن متوقف کردن فعالیت‌های سیاسی مخالف نظام که نشانه حمایت از مواضع ملی نظام است، مسیر گذشته آن را تصحیح میکند و آن را به جایگاه طبیعی اش که باید در آن باشد برمی‌گرداند.

“

آقای شریعتمدار، معاون اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی به بررسی تحولات سوریه پرداخت که مهمترین محورهای گفته‌های ایشان به شرح زیر است:

در اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی نزدیک به ۱۹۸ شبکه رادیویی - تلویزیونی و مؤسسات خدمات رسانه‌ای از ۳۱ کشور جهان عضو هستند که همه آنها جز ایران غیر دولتی هستند. برای عضویت خبرگزاری‌ها هم مصوبه‌ای داشته‌ایم و برای عضویت پایگاه‌های اینترنتی هم در حال رایزنی هستیم.

برخی از برنامه‌های ۴ شبکه تلویزیونی سوریه را ضبط و نقد نموده‌ایم و نحوه برخورد رسانه‌های سوریه با تحولات داخلی تحلیل شده است.

ما معتقدیم لزوم آشنایی رسانه‌های اسلامی با مواضع سوریه و یکسان‌سازی رسانه‌ها با حوادث سوریه و اطلاع آنها از حوادث و نیز ایجاد باب گفت و گو و همکاری با مقامات رسانه‌ای سوریه هستیم.

اتحادیه رسانه‌های جهان اسلام معتقد به لزوم انجام اقدامات زیر است:

- صدور مجوز رسمی برای تأسیس دفتر برای شبکه‌های عضو
- اعزام خبرنگاران از طریق شبکه‌ها
- ارائه بسته‌های خبری

● اهتمام به مساله دین و ایمان دینی مردم و جلوگیری از سوء استفاده از دین برای شکستن خط مقاومت در انتهای نشست آقای حبیبی کارشناس فرهنگی سوریه، به موارد زیر در تحلیل شرایط سوریه اشاره کرد: بررسی و تحلیل مسائل سیاسی، فرهنگی سوریه و در نظر گرفتن ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آنها ضروری است. سوری‌ها دارای سیاست انعطاف‌پذیری هستند و شاید نظام سوریه وارد مذاکره شود. حضور سلفی‌های تندرو در اعتراضات نشان می‌دهد که همه مردم در این تحولات شرکت ندارند.

اقدامات مسلحانه و وجود رهبری سنتی در سوریه از جمله مشخصه‌های بحران در سوریه است. همچنین حضور دو عنصر در سوریه یکی سابقه‌داران و مجرمان و دیگری سرمایه‌داران مقیم خارج، نقش اثرگذاری در تحولات اخیر دارند.

ما با یک پدیده‌ای از سنخ قیام مردمی در سوریه مواجه نیستیم و این سطح اصلاحاتی که بشار اسد در این مدت انجام داده در سایر کشورها صورت نگرفته اما به خاطر بحث مشکلات معیشتی و وجود فساد اداری و اقتصادی مشکلاتی را به وجود آورده است. از این رو، ما باید ضمن آینده‌پژوهی با در نظر گرفتن اولویت‌ها که همان حمایت از خط مقاومت است، سیاست مدونی را اتخاذ نماییم.